

## تئوری سازه‌انگاری، تحولات معاصر ایران و لزوم تدوام بدبینی به قدرتهای جهانی (۱)

۲۱ شهریور ۱۳۹۴ ساعت ۲۲:۰۷

با مروری بر تحولات سیاسی ایران معاصر به ویژه در حوزه روابط خارجی با وقایع گوناگونی مواجه می‌شویم که تماماً بر حس بدبینی و عدم اعتماد ملت ایران نسبت به قدرتهای بزرگی چون بریتانیا افزوده است. با این وجود برخی مقاطع تاریخی را باید نقاط عطفی تاریخی در رفتارهای «فریبکارانه» و «مکارانه» انگلستان نسبت...

دکتر جواد حق گو ۱

jhaghgoo@ut.ac.ir

الف) مقدمه

تحولات تاریخی مهمترین منبع شکل‌گیری «ذهنیت تاریخی» کشورهاست. بر همین اساس ملتها و دولتهای جهان با تدقیق در فراز و نشیبهای به وقوع پیوسته در تاریخ کشورشان به تعریف دوستان و دشمنان خود می‌پردازند. اساساً و به پیروی از تئوری سازه‌انگاری ۲ می‌توان اینگونه گفت که اگرچه «کشورها دوست و دشمن دائمی ندارند» ۳ لکن هویت ملی هر کشوری که بیش از هر چیز تحت تاثیر تحولات تاریخی آن کشور ساخته شده است نقشی اساسی در تعیین دوست و دشمن دارد. مروری بر تاریخ معاصر ایران نشان از آن دارد که هویت ملی ایرانیان «به حق» با بدبینی و سوءظن مداوم نسبت به قدرتهای بزرگ جهانی به ویژه انگلستان همراه است. ۴ تنها کافی است تا مروری کوتاه بر گوشه‌ای از مناسبات بریتانیا با ایرانیان در تاریخ معاصر داشته باشیم.

بنا بر این وقتی امروز سخن از لزوم بدبینی به قدرتهای بزرگ دنیا به ویژه انگلستان به میان می‌آید نباید این تصور را به سطح گرایشهای سیاسی افراد و جریانات سیاسی تقلیل داد. اساساً ذهنیت منفی و بدبینی تاریخی ایرانیان به قدرتهای بزرگ در طول تاریخ شکل گرفته است. پاسخ به «چرایی» و «چگونگی» ایجاد این ذهنیت بیش از هر چیز در دل تاریخ معاصر ایران نهفته است.

تحولات تاریخی ایران به ویژه در یک سده گذشته نقشی بنیادین در برساختن هویت کنونی ایرانیان گذارده است. هویتی که یکی از اصلی ترین نموده‌هایش در بدبینی ملت ایران به قدرتهای بزرگ تجلی یافته است.

با مروری بر تحولات سیاسی ایران معاصر به ویژه در حوزه روابط خارجی با وقایع گوناگونی مواجه می شویم که تماماً بر حس بدبینی و عدم اعتماد ملت ایران نسبت به قدرتهای بزرگی چون بریتانیا افزوده است. با این وجود برخی مقاطع تاریخی را باید نقاط عطفی تاریخی در رفتارهای «فریبکارانه» و «مکارانه» انگلستان نسبت به ایران به شمار آورد. نوع کنشگری انگلستان در «جریان نهضت مشروطه ایران»، «جنگ جهانی اول» و «جنگ جهانی دوم» را باید مقاطع تاریخی حساسی دانست که ذهنیت منفی ایرانیان نسبت به استعمار پیر را تشدید نموده است.

#### ب) بریتانیا و انحراف نهضت مشروطه

نهضت مشروطیت ایران اگر چه به حکومت ۱۳۰ ساله قاجار پایان داد لکن نه تنها نتوانست حضور قدرتهای بزرگی چون روس و انگلیس در تحولات داخلی ایران را کاهش دهد بلکه موجبات افزایش حضور این قدرتها به ویژه انگلستان در معادلات داخلی ایران را مهیا نمود. اساساً بدون توجه و تدقیق در نحوه کنشگری قدرتهای بزرگی چون انگلستان نمی توان تحولات تاریخ معاصر ایران را به نحوی مطلوب درک نمود. به باور بسیاری از اندیشمندان و مورخان انگلستان نقشی اساسی در به انحراف کشیده شدن جنبش مشروطه ایران داشته است.

انگلیس به دلایل متعدد از جمله لزوم محافظت از هندوستان سالها بود که ایران را به عنوان بهترین جبهه جهت مراقبت از هندوستان و جلوگیری از دست اندازی روسیه به هند در نظر گرفته بود. از این رو ایران به عنوان دروازه هندوستان همواره مد نظر بریتانیاییها قرار داشت. بر چنین مبنایی بود که در آن مقطع زمانی بریتانیا طرح ایجاد حکومتی ضعیف و نیمه مستقل در ایران دنبال می کرد. ۵

همزمان با آغاز جنبش مشروطه خواهی در ایران، بریتانیا تمام تلاش خود را برای کاهش نفوذ رقیب دیرینه خود روسیه و به تبع

گسترش نفوذ خود در ایران به کار بست. در این راستا انگلستان ضمن تظاهر به حمایت از نهضت مشروطه نقشی اساسی را در شعله‌ورتر ساختن این جنبش ایفا نمود. جنبشی که بیشتر برافروخته شدنش از یکسو کاهش قدرت دربار قاجار (متحد اصلی روس تزاری) و از سوی دیگر افزایش نفوذ بریتانیا در ایران را به ارمغان می‌آورد.

بر این اساس بریتانیا ایجاد انحراف در این نهضت اصیل را در دستور کار قرار داد. انحرافی که بیش از هر چیز قرار بود تحقق منافع بریتانیا را با خود به همراه داشته باشد. حضور چند هزار نفری برخی افراد در سفارت انگلستان در تابستان سال ۱۲۸۵.ش بیش از هر چیز نشان از تلاش بریتانیا برای در دست گرفتن کنترل جنبش مشروطه ایران دارد. در همین رابطه «سردنيس رایت ۶»  
سفير وقت انگلستان در ایران در خاطرات خود در موارد متعددی به برنامه‌ریزی دولت متبوع خود برای تبدیل کردن سفارتخانه و کنسولگریهای کشورش در ایران به «مأمّن» و «پناهگاه» مشروطه‌خواهان جهت پیاده کردن مقاصد اصلی خود اشاره کرده است. ۷.

پس از مدتی که انگلیسیها به عمق امیال آزادی‌خواهانه و ملی‌گرایانه مشروطه‌خواهان پی بردند و دریافتند که با پیروزی انقلاب در صحنه سیاست داخلی ایران هیچ نقشی برای آنان باقی نمی‌ماند، به مخالفت با آزادی‌خواهان پرداختند بدین ترتیب بریتانیا با همکاری سرمایه‌داران وابسته، زمینداران، سیاستمداران و خوانین وابسته با کمک لژهای فراماسونری، مشروطیت را به مسیری دیگر هدایت نمود. ۸

در همان ایام و پیش از روی کار آمدن دولت کمونیستی در روسیه دولت بریتانیا در تداوم سیاستهای استعمارگرایانه خود در سال ۱۹۰۷ در تلاش بود تا با انعقاد معاهده‌ای دو جانبه میان خود و دولت تزاری روسیه مقدمات تجزیه ایران را فراهم آورد. قرارداد ۱۹۰۷ میان کشورهای روسیه و انگلستان در منطقه سن پترزبورگ و همزمان با اوج نهضت مشروطه در ایران منعقد شد. بر پایه این پیمان آنگلو-روسی بریتانیا پیشنهاد تقسیم ایران به دو منطقه نفوذ را داد. منطقه شمالی به روسیه تزاری اعطا شد و منطقه جنوبی به بریتانیا. در این میان منطقه مرکزی نیز به عنوان محدوده بی‌طرف که طرفین نباید در امور آن دخالت کنند در نظر گرفته شده بود. ۹

یکی از نکات عجیب و در عین حال جالب توجه این پیمان‌نامه آن بود که این معاهده بدون آگاهی یا مشارکت دولت ایران

تهیه و تنظیم شده و به مرحله اجرا در آمده بود. موضوعی که البته موجبات اعتراض مجلس شورای ملی را با خود به همراه داشت. البته با وجود اعتراضات شدید ایران نسبت به این معاهده مفاد آن عملاً به اجرا گذارده شد و همزمان با جنگ جهانی اول به بهانه‌هایی چون جنگ با امپراتوری عثمانی مناطقی از خاک ایران برای مدتی توسط قوای روس و انگلیس اشغال شد. روسها تا زمان انقلاب بلشویکی در روسیه در ایران حضور داشتند با این حال پس از روی کار آمدن دولت کمونیستی در روسیه دولت انقلابی با لغو تمام معاهدات استعماری که در زمان دولت تزاری بسته شده بود خاک ایران را تخلیه نمود. بر این اساس در تاریخ ۱۷ ژانویه ۱۹۱۸ / ۲۷ دیماه ۱۲۹۶ عملاً قرارداد ۱۹۰۷ ملغی شد. به باور بسیاری از مورخین قرار داد ۱۹۱۹ یا وثوق‌الدوله بی ارتباط با قرارداد ۱۹۰۷ نبوده است.

در رابطه با اهداف انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ لرد گری ۱۰ در کتاب بیست و پنج سال اینگونه آورده است:

«هدف اصلی از انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ آن بود که مانع از پیشروی بیشتر روسها به سوی مرزهای هند گردیم و اجازه ندهیم منافع ما را در این سامان به خطر اندازند... از نظر حکومت هند، یک ایران مستقل می‌توانست دولت حائل مناسبی به شمار آید ولی اوضاع داخلی آن چنان مستعد مداخلات خارجی بود که خطر آن داشت هر لحظه به درگیریها میدان دهد به‌ویژه آنکه ایران نیز به خط‌مشی برانگیختن دو قدرت روس و انگلیس بر ضد یکدیگر روی آورده بود. از نظر دولت بریتانیا تنها یک تفاهم صریح و آشکار با روسیه می‌توانست از وخامت بیشتر اوضاع جلوگیری کند.» ۱۱

با تمامی این احوال بسیاری از نویسندگان همچنان علت اساسی انعقاد این قرارداد میان دولت روسیه تزاری و بریتانیا را جبهه‌گیریهای داخلی اروپایی دانسته‌اند تا قضایای سیاسی منطقه آسیا: «دلیل اساسی معاهده روس و انگلیس، تشکیل یک صف محکمی در مقابل آلمان بود و الا هیچ سیاستمدار عاقلی به چنین عملی اقدام نمی‌نمود.» ۱۲

با اینحال یکی از پیامدهای آشکار توافق ۱۹۰۷ انگلیس با روسیه تزاری پایان یافتن منازعات دیرینه لندن و پترزبورگ بود. ناگفته پیداست که خود این امر تا حد زیادی موجبات نگرانیهای گسترده بریتانیا از چشم‌طمع روسیه به هندوستان را برطرف نمود. برهمین اساس و به باور بسیاری از مورخین روابط بین‌الملل قرارداد ۱۹۰۷ را باید نقطه عطفی در روند تحولات بین‌الملل در سالهای آغازین قرن بیستم به حساب آورد. چراکه به تبع ایجاد توافق میان روسیه و انگلیس شاهد شکل‌گیری بلوکهای قدرتی بودیم که بعدها با عناوینی چون متحدین و متفقین در جنگ جهانی اول از آنها یاد شد.

ادامه دارد . . .

پی نوشتها

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۰۷۰۲/۱-جهانی-قدرت‌های-بدبینی-تداوم-لزوم-ایران-معاصر-تحولات-انگاری-سازم-تئوری>